

گفت‌وگو با مرد سمساری که
در مغازه‌اش همه جور خلافی می‌کرد

فروش مواد به جای پول وسایل سرقتی

مجید غمخوار
تپش

سن و سالی از او گذشته است، این را موهای سفید سرش و چروک‌های پای چشمش می‌گوید. مدتی پلیس به رفت و آمدهای معتادان به مغازه سمساری‌اش مشکوک شده بود. به همین دلیل به صورت نامحسوس مغازه را زیر نظر گرفت و مشخص شد که مرد میانسال مواد مخدر را در ازای وسایل سرقتی به معتادان سارق می‌دهد. در ادامه تحقیقات و با هماهنگی‌های قضایی مرد میانسال بازداشت و در بازرسی از مغازه سمساری‌اش بیش از یک کامیون وسایل سرقتی کشف شد. متهم میانسال که تصورش را هم نمی‌کرد توسط پلیس دستگیر شود در گفت‌وگو با تپش از جرمی که مرتکب شده بود گفت.

متهم وقتی به پول بادآورده عادت کرد تصمیم گرفت به فروش مواد مخدر و خرید لوازم سرقتی ادامه دهد

به چه جرمی بازداشت شده‌ای؟

خرید اموال سرقتی در قبال خرید و فروش مواد مخدر.

یعنی قاچاقچی موادی که اموال سرقتی می‌خرید؟

نه به این شدت.

چه مدت است این کار را انجام می‌دهی؟

دو سه ماهی می‌شود.

مواد را از کجا می‌خریدی؟

جنگل.

جنگل، کدام جنگل مواد می‌فروشند؟

منظورم جنگلی در شرق تهران است. آنجا سراغ خلافکارها می‌رفتم و مواد خریداری می‌کردم.

گرمی چقدر می‌خریدی؟

گرمی ۴۰ هزارتومان خریداری می‌کردم و ده هزار تومان گرانتر یعنی گرمی ۵۰ هزار تومان می‌فروختم.

واحد کمتر از گرم هم برای معاملات شیشه دارید؟

بله. ولی آنجا کمتر از گرم نمی‌فروختند.

مشتری هایت را چطور انتخاب می‌کردی؟

من انتخاب نمی‌کردم آنها سراغم می‌آمدند. قبلا مغازه سمساری داشتم، سمساری را جمع کردم و بعد از آن معتادان سراغم آمدند.

فروش اموال سرقتی در پوشش سمساری درست است؟

حرفی ندارم برای گفتن، دقیقا.

معتادان چطور متوجه می‌شدند مواد می‌فروشی و وسایل سرقتی شان را خریداری می‌کردی؟

خب به چند نفر از بچه محل هایم مواد فروختم و آنها هم به دوستانشان گفتند. کم کم دامنه مشتری هایم گسترده شد و حتی از محل‌های دیگر هم برای خرید مواد می‌آمدند.

وسایلی که به جای مواد مخدر می‌گرفتی را چکار می‌کردی؟

در مغازه سمساری ام برای فروش می‌گذاشتم.

با این حساب سفارش می‌دادی که چه وسایلی می‌خواهی؟

تقریبا. وسایلی را که داخل مغازه‌ام نبود یا مشتری برایش داشتم به معتادان سارق سفارش می‌دادم. معمولا افرادی که از من مواد خریداری می‌کنند سارقان خانه یا ماشین بودند. همین موضوع کار مرا راحت‌تر کرده بود. وسایل داخل ماشین و موتور را به سارقان لوازم داخل خودرو سفارش می‌دادم و لوازم خانگی را هم به سارقان منازل.

وسایل داخل خودرو به چه دردت می‌خورد؟

اگر جنست جور باشد مشتری که وارد مغازه ات می‌شود حتی اگر به قصد خرید وسیله‌ای به مغازه نیامده باشد تو می‌توانی او را وسوسه کنی تا آن جنس را بخرد.

چه شد که تصمیم به مواد فروشی گرفتی؟

فقط به خاطر وضعیت بد مالی و اوضاع بد اقتصادی. وقتی اجاره خانه ات ماهی دو تا سه میلیون تومان باشد، خودش بدبختی است. تا چشم به هم می‌زنی اول ماه آمده و باید اجاره خانه بدهی. البته این تنها مشکل نیست، هزینه تحصیل بچه ها، خرج روزانه و کلی خرج و مخارجی که در طی ماه پیش می‌آید.

می‌توانستی با کار دیگری در مغازه این پول را به دست بیاوری؟

پول راحت که زیر دندانت مزه کند دیگر سراغ پول با زحمت نمی‌روی.

نظرات خوانندگان

عباسی از رشت: تغییرات جدید تپش خیلی خوب شده است اما آگهی یک صفحه ای شماره قبل دوباره تو ذوقمان زد. برای چندمین بار خواهش می کنم تا ۱۶ صفحه ای نشدید، آگهی چاپ نکنید.

مهلا اسماعیلی از تهران: چرا داستان جنایی را در سال جدید چاپ نکردید؟

تپش: نویسنده داستان های جنایی مشغول نوشتن داستان جدید است. سعی می کنیم به زودی دوباره داستان جدید منتشر کنیم.

سعید صبوری از تهران: در تغییرات جدید تپش جای «بازگشت» خالی است. اگر امکان دارد دوباره صفحه بازگشت را چاپ کنید.

عکس هفته



بر اثر بالا آمدن آب در جاده اهواز به شادگان چند خودرو زیر آب رفتند

پاسخ معمای قتل در خواب

سروان رضوانی پس از بررسی محل قتل و اظهارات همسر و باجناق مقتول با کشف ۲ سرنخ توانست راز این جنایت را فاش کند.

۱ روی دیوار حفاظ های ضد سرقت وجود داشت و قفل درها هم سالم بود که نشان می داد، قاتل آشنا بوده و به راحتی با کلید در خانه را باز کرده و وارد شده است.

۲ عقربه ساعت روی عدد چهار بود که نشان می داد، زمان تیراندازی ساعت چهار عصر بوده در حالی که همسر مقتول ادعا می کرد ساعت پنج عصر با شوهرش صحبت کرده است. در آن زمان شوهر او به قتل رسیده بود.

در مسابقه شماره گذشته ۸۴۰ نفر شرکت کرده بودند که ۳۲۷ نفر پاسخ صحیح داده بودند. از میان پاسخ های صحیح امیر مقدم از کرمانشاه و مریم رحیمی از اراک به قید قرعه بنده شده اند.